مجله علمی پژوهش در روانشناسی، علوم تربیتی و علوم اجتماعی ، شماره ۲۶ ، زمستان ۱۴۰۰، ص ۱۴-۸
http://www.jisc.ir

مجله علمی پژوهش در روانشناسی، علوم تربیتی و علوم اجتماعی (سال هفتم)
شماره ۲۶ / زمستان ۱۴۰۰ / ص ۱۴-۸

رابطه میان سبک‌های دلبستگی و امنیت اجتماعی در گروه‌های آسیب‌پذیر شهر بیرجند

حسن نظری[1]، روح الله کمالی[2]
[1] کاردانی رشته حقوق، دانشگاه علمی کاربردی ۰بیرجند
[2] کارشناسی حسابداری، دانشگاه پیام نور بیرجند

نام نویسنده مسئول:
حسن نظری

چکیده

در این پژوهش قصد داریم رابطه میان سبک‌های دلبستگی و امنیت اجتماعی در گروه‌های آسیب‌پذیر شهر بیرجند را مورد بررسی قرار دهیم. با توجه به هدف این تحقیق از تحقیقات کاربردی است که به شکل میدانی و از طریق پرسشنامه به انجام خواهد رسید. برای انجام این پژوهش از پرسشنامه سبک‌های دلبستگی کولینز و رید (۱۹۹۰) و پرسشنامه امنیت اجتماعی گیلبرت و همکاران (۲۰۰۹) استفاده شد. جامعه آماری تحقیق گروه‌های آسیب‌پذیر شهر بیرجند شامل نوجوانان ۱۲ تا ۱۶ سال بهزیستی که سابقه آسیب‌های اجتماعی را داشتند در نظر گرفته شد؛ که بین ۱۳۰ نفر از نوجوانان توزیع شد. برای بررسی تحلیل داده‌ها از آزمون همبستگی پیرسون و رگرسیون خطی چندگانه استفاده شد. نتایج نشان دادند که رابطه‌ای مثبت معنی‌دار میان سبک دلبستگی ایمن و سبک دلبستگی اجتنابی با امنیت اجتماعی مشاهده شده است؛ در مورد سبک دلبستگی سبک مضطرب دوسوگرا، رابطه معنی‌داری میان این سبک و نمره امنیت اجتماعی مشاهده نشده است؛ همچنین در مورد پیش‌بینی امنیت اجتماعی، مقدار توضیح دهندگی رگرسیون برابر با ۷۹ درصد به دست آمد و تمام متغیرها از لحاظ آماری معنی‌دار بودند. همچنین در مورد سبک دلبستگی مضطرب دوسوگرا، با توجه به طرد شدن آن‌ها توسط اطرافیان به خاطر تمایل این سبک به برقراری رابطه بیش‌ازحد با افراد، ممکن است موجب افزایش استرس آن‌ها شده و این استرس باعث افزایش امنیت اجتماعی در آن‌ها گردد؛ اما نتایج آزمون پیرسون همبستگی معنی‌داری میان این سبک و امنیت اجتماعی را نشان نمی‌دهد. برخلاف این آزمون، در رگرسیون خطی مشاهده می‌شود که این سبک تأثیری منفی بر امنیت اجتماعی دارد. بر اساس مؤلفه‌های امنیت اجتماعی می‌توان تصریح نمود که امنیت اجتماعی مفهومی کاملاً متمایز از تأمین اجتماعی می‌باشد. مرجع تأمین اجتماعی فقط بخشی از افراد جامعه است درحالی‌که امنیت اجتماعی، کلیت جامعه را مدنظر دارد که در قالب گروه‌های مختلف اجتماعی خودنمایی می‌کنند.

واژگان کلیدی: سبک‌های دلبستگی، امنیت اجتماعی، گروه‌های آسیب‌پذیر.

مقدمه

خانواده یکی از ارکان مهم و اصلی جامعه و اولین پناهگاه امن برای زندگی انسان به شمار می‌آید. دستیابی به جامعه سالم، بدون شک در گرو سلامت خانواده و تحقق خانواده سالم مشروط به بهره‌مندی افراد آن از سلامت روانی و داشتن امنیتی مطلوب می‌باشد. درواقع خانواده به عنوان عامل واسطی است که قبل از آنکه فرد با گروه‌ها و سایر ارکان اجتماع ارتباط مستقیمی برقرار کند، نقش بسیار مهمی در انتقال هنجارهای اجتماعی یک جامعه ایفاء می‌نماید. با چنین نقش بزرگی که خانواده در جوامع ایفاء می‌نماید؛ بالطبع یکی از اصلی‌ترین مؤلفه‌هایی که امروزه نقش مؤثری در افزایش امنیت اجتماعی خانواده دارد، سرمایه اجتماعی می‌باشد که طبق نظر اکثر کارشناسان تأثیر بسزایی می‌تواند در جلوگیری از نابهنجاری‌ها و انحرافات اجتماعی ایفاء کند [۱]. دلبستگی در حقیقت ارتباطی پایدار و عمیق است که بین کودک و سرپرستش در سال او زندگی وی برقرار می‌شود. این مسئله به طور عمیقی تمام جنبه‌های زندگی فرد از قبیل ذهن، جسم، هیجانات، ارتباطات و ارزش‌های فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به‌عبارت‌دیگر دلبستگی یک فرایند دوسویه از ارتباط هیجانی می‌باشد که رشد روان‌شناختی، فیزیکی و شناختی کودک را تحت تأثیر قرار می‌دهد و بنایی برای اعتماد و بی‌اعتمادی کودک به شمار آمده و چگونگی ارتباط کودک با دنیا را شکل داده و نحوه یادگیری و ارتباط را در سراسر زندگی مشخص می‌کند. اگر این فرایند گسیخته باشد، ممکن است کودک در تشکیل مبنای ایمنی که لازمه بهداشت روانی کودک در بزرگسالی است، با شکست مواجه شود [۲]. نشانه‌ی اصلی رفتار دلبستگی این است که کودک به دنبال مراقبت‌کننده‌ی خود و یا کسی که ارتباط نزدیکی با آن دارد، است و از عدم حضور وی نگران می‌شود.

در زمینه دلبستگی سه نوع دلبستگی از یکدیگر متمایز شده است. الف) سبک ایمن: افراد دارای این سبک برایشان آسان است که با دیگران رابطه نزدیکی برقرار کنند و از اینکه به دیگران تکیه کنند و نیز اجازه دهند که دیگران به آن‌ها تکیه کنند، احساس راحتی می‌کنند. این افراد از اینکه دیگران آن‌ها را ترک کنند یا خیلی به آن‌ها نزدیک شوند، احساس نگرانی نمی‌کنند. ب) سبک اجتنابی: افراد دارای این سبک از اینکه به دیگران نزدیک شوند، احساس ناراحتی می‌کنند و نمی‌توانند به طور کامل به دیگران اعتماد کنند. برای این افراد مشکل است که به خودشان اجازه دهند که به دیگران تکیه کنند و وقتی می‌بینند که کسی می‌خواهد به آن‌ها نزدیک شود، عصبی می‌شوند و احساس می‌کنند که دیگران اغلب می‌خواهند بیشتر از حدی که آن‌ها احساس راحتی می‌کنند با آن‌ها صمیمی باشند. ج) سبک مضطرب دوسوگرا: افراد دارای این سبک، کسانی هستند که احساس می‌کنند دیگران مایل نیستند آن‌قدر که آن‌ها دوست دارند با آن‌ها رابطه نزدیک داشته باشند. آن‌ها اغلب نگران هستند که همسرشان واقعاً آن‌ها را دوست نداشته باشد که در آینده با آن‌ها زندگی کند. آن‌ها مایل‌اند که با بعضی افراد کاملاً یکی شوند ولی این خواسته بعضی اوقات باعث ناراحتی و دوری مردم از آن‌ها می‌شوند [۳]. از طرفی نیز اختلالات دلبستگی[1] با شدت‌های متفاوت در جوامع مختلف در حال افزایش است [۴]. کودکان دارای اختلالات دلبستگی در موقعیت‌های اجتماعی قادر به تعامل و رابطه مناسب با دیگران نیستند، به دیگران اعتماد ندارند، از دیگران کناره‌گیری می‌کنند و یا بسیار پرخاشگر هستند. رفتارهایی نظیر آتش افروزی، آزار حیوانات و دروغ گویی و آسیب زدن به خود در آن‌ها دیده می‌شود. [۴]. امروزه هسته مهمی از باورها و ادراکات کودک از باورها و رفتارهای والدین با آنهاست و با بررسی نحوه ادراک فرزندان از سبک‌های فرزند پروری می‌توان به شیوه‌های مؤثر در بروز رفتارهای اعتیادگونه پی برد [۵]. با توجه به اهمیت شبکه اینترنت در عصر حاضر و ساختار فضای مجازی، این بستر به یکی از نقاط بالقوه آسیب‌پذیر و خطرناک در جهان بدل شده است که ضرورت توجه و پرداخت سریع و نظام‌مند، معقول و هدفمند به‌منظور مصون‌سازی این بستر از تهدیدهای موجود در جهت حفظ امنیت جامعه و حریم شخصی شهروندان و نظم و امنیت اجتماعی را می‌طلبد [۶].

امنیت به مفهوم رهایی از ترس و خطر و احساس دوری از هرگونه تعهد، یکی از نیازهای اصلی و اساسی انسان‌ها از آغاز حیاتش بوده است. امنیت به این معنا، پیوند عمیقی با ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی دارد؛ بنابراین احساس امنیت تحت تأثیر عوامل مختلفی شکل می‌گیرد [۷]. همواره امنیت بسترساز و پیش‌نیاز رشد و توسعه جوامع در تمامی ابعاد اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی بوده و تأمین امنیت به‌عنوان یک دغدغه و چالش برای بشر مطرح بوده است. امنیت یک مفهوم چندوجهی است و به همین جهت درباره معنای آن اختلاف‌نظر زیادی وجود دارد. داشتن شناخت و درک درست از مفهوم امنیت اولین گام در جهت تأمین امنیت برای اعضای جامعه است [۸]. امنیت اجتماعی مقوله سهل و ممتنعی است که نیاز به بازتعریف آن در برابر مفاهیمی چون امنیت ملی، امنیت انسانی، امنیت عمومی و... احساس می‌شود که معمولاً با سایر حوزه‌های امنیتی خلط شده است. ما در این نوشتار به دنبال مفهوم‌سازی و تبیین اهمیت امنیت اجتماعی بوده‌ایم. دو رویکرد غالب در زمینه امنیت اجتماعی، رویکردهای سلبی و ایجابی هستند که بنا بر اتخاذ راهبرد جامع گرایانه، ضرورت بهره‌گیری از هردوی این رویکردها احساس می‌شود. همان‌گونه که در بحث‌ها خواهد آمد ارتقای امنیت اجتماعی نیاز به تراکم و

[1] Attachment disorders

افزایش تعاملات درونی جامعه دارد لذا در فقدان روابط اجتماعی گوناگون سنتی این شبکه‌های اجتماعی مجازی هستند که تا حدی می‌توانند این کارکرد امنیتی را ایفا کنند [۹].

ازآنجاکه خانواده زیربنای همه نهادهای اجتماعی است، مؤثرترین مرکز برای ساماندهی یا نابسامانی اجتماعی و عامل شکل‌دهی جامعه است که در ادیان آسمانی همیشه مورد توجه بوده و بر حمایت از آن در جلوگیری از فروپاشی تأکید فراوان به عمل آمده است. این نهاد مقدس دارای کارکردهای مختلفی است که یکی از آن‌ها کارکرد دینی است که می‌تواند در تهدید و تأمین امنیت اجتماعی نقش بسزایی داشته باشد. جایگاه نهاد خانواده در درون ساخت نظام اجتماعی به ویژه حوزه امنیت اجتماعی، بسیار رفیع و دارای آثار غیرقابل‌انکار می‌باشد [۱۰]. مقوله‌ی امنیت و اهمیت نقش و کارکرد پلیس در فراهم آوردن زمینه‌ها و بسترهای عملی و روانی تأمین آن در جامعه، از جمله مباحث عمده در میان محققان و محافل امنیتی و انتظامی بوده است و این امر ضرورت بررسی و تحلیل ساز و کارهای درونی پلیس و تعامل آن با دیگر بخش‌های نظام سیاسی و مردم را جهت ایفای هرچه بهتر رسالت خطیر آن در تأمین امنیت اجتماعی می‌طلبد. یکی از سازمان‌هایی که به طور مستقیم مسئولیت تأمین نظم و امنیت داخلی و آسایش عمومی کشور را بر عهده دارد، نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران است که جهت انجام این مأموریت خطیر نیازمند ارتباط با جامعه، همراهی مردم و شناسایی مخاطبان می‌باشد [۱۱]. با توجه به موارد ذکر شده و اهمیت سبک‌های دلبستگی و عوامل تأثیرگذار بر امنیت اجتماعی، در این پژوهش قصد داریم رابطه میان سبک‌های دلبستگی و امنیت اجتماعی را در میان گروه‌های آسیب‌پذیر مورد بررسی قرار دهیم. درواقع به دنبال پاسخ به این پرسش هستیم که آیا رابطه‌ای میان سبک‌های دلبستگی و امنیت اجتماعی در گروه‌های آسیب‌پذیر شهر بیرجند وجود دارد یا خیر و آیا می‌توان به‌وسیله سبک‌های دلبستگی، امنیت اجتماعی را پیش‌بینی نمود؟

روش‌شناسی تحقیق

با توجه به هدف این تحقیق از تحقیقات کاربردی است که به شکل میدانی و از طریق پرسشنامه به انجام خواهد رسید. برای انجام این پژوهش از پرسشنامه سبک‌های دلبستگی کولینز و رید (۱۹۹۰) و پرسشنامه امنیت اجتماعی گیلبرت و همکاران (۲۰۰۹) استفاده شد. جامعه آماری تحقیق گروه‌های آسیب‌پذیر شهر بیرجند شامل نوجوانان ۱۲ تا ۱۶ سال بهزیستی که سابقه آسیب‌های اجتماعی را داشتند در نظر گرفته شد؛ که بین ۱۳۰ نفر از نوجوانان توزیع شد.

پرسشنامه تجدیدنظر شده دلبستگی کولینز و رید (۱۹۹۰): این پرسشنامه خودارزیابی از مهارت‌های ایجاد روابط و خود توصیفی شیوه شکل‌دهی روابط دلبستگی نسبت به چهره‌های دلبستگی نزدیک است و مشتمل بر ۱۸ سؤال می‌باشد که از طریق علامت‌گذاری روی یک مقیاس ۵ درجه‌ای (از نوع لیکرت) که از؛ به‌هیچ‌وجه با خصوصیات من تطابق ندارد:(۱) تا کاملاً با خصوصیات من تطابق دارد: (۵)، تشکیل می‌گردد، سنجیده می‌شود. با تحلیل عوامل، ۳ زیر مقیاس که هر مقیاس شامل ۶ ماده است مشخص می‌شود، ۳ زیر مقیاس عبارت‌اند از:

- وابستگی[1](D): میزانی را که آزمودنی‌ها به دیگران اعتماد می‌کنند و به آن‌ها متکی می‌شوند به این صورت که آیا در مواقع لزوم قابل‌دسترسی‌اند، اندازه‌گیری می‌کند.
- نزدیک بودن[2](C) : میزان آسایش در رابطه با صمیمیت و نزدیکی هیجانی را اندازه‌گیری می‌کند.
- اضطراب[3](A): ترس از داشتن رابطه را می‌سنجد.

کولینز و رید (۱۹۹۰) بر پایه توصیف‌هایی که در پرسشنامه دلبستگی بزرگسال هازان و شیور در مورد سه سبک اصلی دلبستگی وجود داشت مواد پرسشنامه خود را تدارک دیده‌اند. این آزمون در حال حاضر یکی از معتبرترین و کامل‌ترین آزمون‌ها جهت سنجش دلبستگی است. زیر مقیاس اضطراب (A) با دلبستگی اضطرابی – دوسوگرا مطابقت دارد و زیر مقیاس نزدیک بودن (C) یک بعد دو قطبی است که اساسا توصیف‌های ایمن و اجتنابی را در مقابل هم قرار می‌دهد. بنابراین نزدیک بودن (C) در تطابق با دلبستگی ایمن می‌باشد و زیر مقیاس وابستگی (D) را می‌توان تقریباً عکس دلبستگی اجتنابی قرار داد. مدت اجرای پرسشنامه کولینز و رید بر اساس زمینه‌یابی انجام شده ۱۰ دقیقه در نظر گرفته شده است.

[1] Dependance
[2] Closeness
[3] Anxiety

روایی این پرسشنامه با استفاده از آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه و همچنین برای هریک از معیارهای آن به‌صورت جداگانه مورد بررسی قرار گرفت. آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰/۸۱ و برای زیرمقیاس های ایمن، اجتنابی و سبک مضطرب دوسوگرا به ترتیب ۰/۸۰، ۰/۷۸ و ۰/۷۴ به دست آمد. این مقادیر نشان‌دهنده اعتبار بالای آزمون است. همچنین به دلیل اینکه در پژوهش‌های بسیاری در داخل و خارج از کشور از این پرسشنامه استفاده‌شده است و پرسشنامه محقق ساخته نیست، نیازی به بررسی پایایی پرسشنامه نمی‌باشد.

پرسشنامه امنیت گیلبرت و همکاران (۲۰۰۹): پرسشنامه امنیت اجتماعی دارای ۱۱ گویه و به صورت خود گزارشی است که توسط گیلبرت و همکاران، جهت سنجش احساس امنیت اجتماعی ساخته شده است (گیلبرت و همکاران، ۲۰۰۹). این مقیاس، تجربه فرد را از درک جهان اجتماعی‌اش به صورت محیطی امن، صمیمی و پذیرا نشان می‌دهد. شرکت‌کنندگان توافق خود را با جملات، از طریق مقیاس لیکرت از ۱ تا ۵ درجه‌بندی می‌کنند (۱= تقریباً هرگز تا ۵= تقریباً همیشه). نمره فرد از جمع نمرات ۱۱ گویه به دست می‌آید.

در این تحقیق روایی پرسشنامه توسط استاد راهنما و اساتید صاحب‌نظر در حیطه مدیریت مورد تأیید قرار گرفت که میزان آلفای کرونباخ به‌دست‌آمده (r=۰/۸۴) گزارش گردید. برای تجزیه‌وتحلیل اطلاعات موجود در پرسشنامه‌ها از دو روش آمار توصیفی (جهت توصیف داده‌ها) و آمار استنباطی (جهت بررسی فرضیات و تعمیم نتایج نمونه به جامعه) استفاده خواهد شد. جهت بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها از آزمون کلموگروف- اسمیرنوف، استفاده شد و در سطح آمار استنباطی از تحلیل رگرسیون و ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون خطی چندگانه استفاده می‌شود. برای تجزیه‌وتحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۴ استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

جدول ۱-همبستگی میان سبک‌های دلبستگی و امنیت اجتماعی گروه‌های آسیب‌پذیر

سبک دلبستگی	ایمن	مضطرب دوسوگرا	اجتنابی
امنیت اجتماعی	۰/۶۲*	-۰/۱۸	۰/۲۹*

همان‌طور که در این جدول مشاهده می‌شود، رابطه‌ای معنی‌دار میان سبک دلبستگی ایمن و نمره امنیت اجتماعی مشاهده شده است؛ به‌عبارت‌دیگر، با افزایش نمره در سبک دلبستگی ایمن، مقدار امنیت اجتماعی در نمونه افزایش پیدا کرده است. در مورد سبک دلبستگی سبک مضطرب دوسوگرا، رابطه معنی‌داری میان این سبک و نمره امنیت اجتماعی مشاهده نشده است؛ به‌عبارت‌دیگر به طور معمول افزایش و کاهش نمره این سبک با افزایش و کاهش متناظر در نمره امنیت اجتماعی همراه نبوده است؛ اما در مورد سبک دلبستگی اجتنابی، با افزایش نمره این سبک در نمونه مورد بررسی، مقدار امنیت اجتماعی نیز از لحاظ آماری افزایش معنی‌داری داشته است. البته مقدار عددی همبستگی مثبت بین سبک اجتنابی و امنیت اجتماعی کمتر از مقدار عددی همبستگی منفی بین سبک ایمن و امنیت اجتماعی می‌باشد.

جدول ۲-نتایج رگرسیون برای پیش‌بینی نمره امنیت اجتماعی گروه‌های آسیب‌پذیر

نام متغیر	ضریب	آماره آزمون t	معنی‌داری
ایمن	۰/۴۴	۶/۸۱	۰/۰۰۱
مضطرب دوسوگرا	-۰/۰۹	۳/۵۸	۰/۰۰۱
اجتنابی	۰/۳۴	۳/۰۵	۰/۰۰۱
عرض از مبدأ	۲/۱۷	۱/۶۹	۰/۰۰۱
آماره فیشر:۱۵/۶۳ معنی‌داری: ۰/۰۰۱		توضیح دهندگی: ۰/۷۹	

در جدول ۲ نتایج مربوط به رگرسیون خطی برای پیش‌بینی متغیر امنیت اجتماعی مشاهده می‌شود. همان‌طور که مشخص است، ضریب سبک دلبستگی ایمن در پیش‌بینی امنیت اجتماعی ۰/۴۴ است. همان‌طور که در قسمت همبستگی پیرسون نیز بیان شد این ضریب مثبت به معنی رابطه مستقیم میان سبک دلبستگی ایمن و امنیت اجتماعی است. در مورد سبک مضطرب دوسوگرا نیز نتیجه مشابهی با سبک

ایمن به دست آمده است با این تفاوت که ضریب به دست آمده برای این سبک بسیار کوچکتر از ضریب سبک ایمن است. همچنین سبک دلبستگی اجتنابی نیز از لحاظ آماری تأثیر معنی‌داری بر متغیر امنیت اجتماعی دارد اما برخلاف دو سبک قبلی، تأثیر این سبک مثبت و رابطه آن مستقیم است. به این معنی که با افزایش نمره این سبک، امنیت اجتماعی نیز افزایش پیدا می‌کند و فردی که دارای این سبک دلبستگی است، امنیت اجتماعی بیشتری خواهد داشت. همچنین در مورد قدرت پیش‌بینی کنندگی مدل نیز با توجه به اینکه مقدار توضیح دهندگی آن یا R^2 برابر با ۷۹ درصد محاسبه شده است، مدل از قدرت پیش‌بینی کنندگی مناسبی برخوردار است؛ به‌عبارت‌دیگر، متغیرهای مستقل یا سبک‌های دلبستگی تا ۷۹ درصد می‌توانند امنیت اجتماعی را پیش‌بینی کنند.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش نشان داد که سبک‌های دلبستگی با میزان امنیت اجتماعی رابطه داشته و همچنین می‌توانند امنیت اجتماعی را پیش‌بینی کنند. در این پیش‌بینی سبک ایمن تأثیری مثبت بر امنیت اجتماعی دارد؛ به‌عبارت‌دیگر با افزایش نمره سبک دلبستگی ایمن، امنیت اجتماعی افزایش می‌یابد. با بازبینی ویژگی‌های این سبک یعنی آسان بودن ایجاد رابطه نزدیک با دیگران، احساس راحتی از تکیه کردن به دیگران و اجازه دادن به دیگران برای تکیه کردن به آن‌ها و عدم نگرانی از نزدیکی افراد به آن‌ها یا ترک کردن آن‌ها، نتیجه به دست آمده منطقی به نظر می‌رسد. فردی که دارای سبک دلبستگی ایمن است، نگرانی ذهنی از بابت دلبستگی ندارد و ازاین‌جهت به نظر می‌رسد این آرامش ذهنی سبب می‌شود میزان امنیت اجتماعی در افراد دارای این سبک بیشتر از سایر سبک‌ها باشد.

انسان از گذشته تاکنون در پی دست‌یابی به نظم و امنیت بوده است. مقوله نظم و امنیت مقوله‌ای نسبی است؛ که وابسته به ابعاد، مکان و زمان خاصی است. امنیت در ابعاد بهداشتی، غذایی، اقتصادی، نظامی و ... قابل ذکر است. زمانی نظم و امنیت در مسئله جلوگیری از هجوم بیگانگان و متجاوزان است و زمانی در پی ایجاد آسایش و آرامش روحی و روانی شهروندانش است. گاهی در پی ایجاد نظم و امنیت در یک منطقه بین‌المللی، گاهی در یک کشور و گاهی هم در یک منطقه و استان داخلی هستیم. آنچه قابل ذکر هست این است که وجود و عدم نظم و امنیت در یک منطقه توانایی تسری شدن دارد. نبود نظم و امنیت در یک استان می‌تواند به یک کشور و یا به یک منطقه بین‌المللی تسری یابد [۱۲]. احساس امنیت اجتماعی حاصل عملکرد سیستم تسکین و آرامش است که به عنوان تجارب و ادراکات افراد از جهان اجتماعی‌شان به عنوان جهانی امن، صمیمی و آرام، با احساسات تعلق و پذیرش و صمیمیت از جانب دیگران، تعریف شده است: الف) تجربه امنیت اجتماعی از طریق فعال‌سازی سیستم تسکین و خشنودی، با احساسات مثبت همراه با آرامش و بهزیستی توأم است. در نظریه فرا تشخیصی گیلبرت. اشکال در دست‌یابی به احساس امنیت اجتماعی می‌تواند زیربنای آسیب‌پذیری نسبت به بسیاری از اختلالات هیجانی مانند اضطراب و افسردگی باشد. در مقابل مفهوم امنیت اجتماعی که ناظر بر تدارک سلامت افراد جامعه در مقابل اقدامات خشونت‌آمیز و رفع دغدغه‌های ذهنی (احساس عدم امنیت) شهروندان است، مفهوم تأمین اجتماعی فقط به نگرانی‌ها و معضلات جامعه در موارد و مواقع خاص می‌پردازد؛ بنابراین ناامنی اجتماعی موردنظر این پژوهش عبارت است از مجموعه حرکت‌های عمدی و تحولات عادی که اطمینان خاطر افراد و انسجام گروه‌های اجتماعی را مخدوش می‌سازند. در مورد سبک اجتنابی نیز با توجه به ویژگی‌های آن، یعنی ناراحت شدن از نزدیکی دیگران، عدم اعتماد کامل به دیگران، عدم توانایی تکیه به دیگران و عصبی شدن از تلاش دیگران برای نزدیک شدن به آن‌ها به نظر می‌رسد که باید با افزایش نمره این سبک میزان امنیت اجتماعی افزایش یابد که همین اتفاق نیز افتاده است. ضریب همبستگی پیرسون رابطه‌ای مستقیم میان سبک دلبستگی اجتنابی و میزان امنیت اجتماعی مشخص کرده است و در مورد رگرسیون نیز این سبک تأثیری مثبت و معنی‌دار بر نمره امنیت اجتماعی دارد.

افراد دارای سبک دوسوگرا نیز، همان‌طور که کمابیش در مقدمه به آن اشاره شد، کسانی هستند که احساس می‌کنند دیگران مایل نیستند آن‌قدر که آن‌ها دوست دارند با آن‌ها رابطه نزدیک داشته باشند. آن‌ها اغلب نگران هستند که همسرشان واقعاً آن‌ها را دوست نداشته باشد که در آینده با آن‌ها زندگی کند. آن‌ها مایل‌اند که با بعضی افراد کاملاً یکی شوند ولی این خواسته بعضی اوقات باعث ناراحتی و دوری مردم از آن‌ها می‌شوند. در مورد این افراد با توجه به ویژگی‌های آن‌ها نمی‌توان پیش‌بینی خاصی در مورد امنیت اجتماعی انجام داد. البته با توجه به طرد شدن آن‌ها توسط اطرافیان به خاطر تمایل این سبک به برقراری رابطه بیش‌ازحد با افراد، ممکن است موجب افزایش استرس آن‌ها شده و این استرس باعث افزایش آسیب پذیری در آن‌ها گردد؛ اما نتایج آزمون پیرسون همبستگی معنی‌داری میان این سبک و امنیت اجتماعی را نشان نمی‌دهد. برخلاف این آزمون، در رگرسیون خطی مشاهده می‌شود که این سبک تأثیری منفی بر امنیت اجتماعی دارد؛ یعنی با افزایش نمره این سبک، میزان امنیت اجتماعی افزایش می‌یابد. البته باید توجه داشت که ضریب تأثیر برای این سبک در مقایسه با دو سبک دیگر بسیار کوچک است. بر اساس مؤلفه‌های امنیت اجتماعی می‌توان تصریح نمود که امنیت اجتماعی مفهومی کاملاً متمایز از تأمین اجتماعی می‌باشد. مرجع تأمین اجتماعی فقط بخشی از افراد جامعه است درحالی‌که امنیت اجتماعی، کلیت جامعه را مدنظر دارد که در قالب گروه‌های مختلف اجتماعی خودنمایی می‌کنند.

منابع

[۱]. کوشافر، حمیدرضا، نوری، علی، غلامی، رضا علی (۱۳۹۴). بررسی نقش سرمایه اجتماعی در ایجاد امنیت اجتماعی خانواده (مورد مطالعه شهر سمنان). فصلنامه علمی تخصصی دانش انتظامی سمنان، ۵(۱۶), ۶۴-۸۴.

[۲] Hinshaw-Fuselier, S., Boris, N. W., & Zeanah, C. H. (1999). Reactive attachment disorder in maltreated twins. *Infant Mental Health Journal*, *20*(1), 42-59.

[۳] Collins, N. L., & Read, S. J. (1994). Cognitive representations of attachment: The structure and function of working models.

[۴] Fisher HL, Moffitt TE, Houts RM, Belsky DW, Arseneault L, Caspi A. Bullying victimisation and risk of self harm in early adolescence: Longitudinal cohort study. BMJ 2012; 26: 344.

[۵].جهانشاهی، مهنوش. (۱۳۹۹). بررسی رابطه بین سبک‌های فرزند پروری و گرایش به مصرف مواد مخدر نوجوانان ۱۴ تا ۱۷ ساله در شهر آشخانه. فصلنامه علمی دانش انتظامی خراسان شمالی، ۷(۲۵), ۱۱۱-۱۳۱.

[۶].پورنقدی، بهزاد. (۱۳۹۱). آسیب‌شناسی کاربرد اینترنت و تهدیدات فضای مجازی. فصلنامه علمی تخصصی دانش انتظامی سمنان، ۲(۳), ۵۵-۷۶.

[۷].وقاری، مهدی. (۱۳۹۸). امنیت اجتماعی دانشجویان دانشگاه پیام نور شهرستان فاروج. فصلنامه علمی دانش انتظامی خراسان شمالی، ۶(۲۲), ۷۳-۱۰۰.

[۸].نامور، سجاد. (۱۴۰۰). طراحی مدل مفهومی امنیت (بر اساس تکنیک تحلیل محتوا). فصلنامه علمی دانش انتظامی خراسان شمالی، ۳(۲), ۱-۱۲.

[۹].عین بیگی، رمضان، خان شریفان، صفورا، خان شریفان، سمیرا. (۱۳۹۴). نقش شبکه‌های اجتماعی از منظر ایجابی بر امنیت اجتماعی جستارهایی پیرامون برهمکنش شبکه‌های اجتماعی و گفتمان ایرانی-اسلامی پیشرفت. فصلنامه علمی دانش انتظامی خراسان شمالی، ۲(۶), ۹۵-۱۳۲.

[۱۰].امیرپور، مهناز. (۱۳۹۵). کارکرد خانواده و نقش آموزه‌های دینی در ایجاد امنیت اجتماعی. فصلنامه علمی دانش انتظامی خراسان شمالی، ۳(۹), ۷۹-۹۴.

[۱۱].خجسته، محمد، امیرپور، مهناز. (۱۳۹۹). نقش و جایگاه مردم در همراهی با پلیس، برای تداوم امنیت اجتماعی. فصلنامه علمی دانش انتظامی خراسان شمالی، ۷(۲۷), ۱۱۳-۱۳۱.

[۱۲].عطایی، جاسم. (۱۳۹۸). آینده‌پژوهی حوزه نظم و امنیت در فارس. فصلنامه علمی دانش انتظامی فارس، ۶(۲۲), ۸۱-۱۲۲.